



## کبوتران من

این قطعه که در سال 1342 ه.ق. سروده شده، گویا یگانه شعر بهار است که در آن به پیروی از شیوه نو، شکل چهار پاره و قافیه چلیپا (ا - ب ، ا - ب) به کار رفته. این شعر در زمانی سروده شده است که بهار جدال با نوینده **تجدد** را تازه پشت سر گذاشته و گویی می خواهد به مدعی بگوید که اگر بخواید، از هر متجددی متجددتر است. اما به طوری که می بینید «هنوز طوفانی در ته دوات گوینده برنخاسته و کلاه سرخ ویکتور هوگو را بر سر او نمی توان دید.» عبارت از تقی رفعت است.

بیا بید ای کبوترهای دلخواه  
بدن کافور گون پاها چو شنگرف  
بپرید از فراز بام و ناگاه  
به گرد من فروانید چون برف

سحرگاهان که این مرغ طلایی  
فشاند سر به روی برج خاور  
ببینمتان به قصد خودنمایی  
کشیده سر ز پشت شیشه در

فرو خوانده سرود بیگناهی  
کشیده عاشقانه بر زمین دم  
به گوشم با نسیم صبحگاهی  
نوید عشق آید ز آن ترنم

سحرگه سر کنید آرام آرام  
نواهای لطیف آسمانی  
سوی عشاق بفرستید پیغام  
دمادم با زبان بیزبانی

مهیا، ای عروسان نو آیین  
که بگشایم در آن آشیان من  
خروشان بالهاتان اندر آن حین  
رود از خانه سوی کوی و برزن

شود گویی در از چرخ برین باز  
چو من بر رویتان بگشایم آن در  
کنید افروخته وش یکباره پرواز  
به گردون دوخته بر یک به دیگر

شوند افروختگان از چرخ نازل  
به زعم مردمان باستانی  
شما افروختگان از سطح منزل  
بگیرید اوج و گردید آسمانی

نیاید از شما در هیچ حالی  
- وگر مانید بس بی آب و دانه -  
نه فریادی نه قیلی و نه قالی  
بجز دلکش سرود عاشقانه

فرو آید ای یاران از آن بام  
کف اندر کف زنان و رقص رقصان  
نشینید از بر این سطح آرام  
که اینجا نیست جز من هیچ انسان

بیا بید ای رفیقان وفادار

من اینجا بهرتان افشانم ارزن  
که دیدار شما بهر من زار  
به است از دیدن مردان برزن

محمد تقی بهار - ملک الشعرا